

جنگ امپریالیستی خاورمیانه: سرمایه‌داری یعنی جنگ، جنگ علیه سرمایه‌داری!

در مقابل، با وجود تمامی شکست‌ها، طبقه کارگر ایران در مقایسه با هم طبقه‌های خود در اسرائیل از وضعیت مبارزاتی به مراتب بهتری برخوردار است؛ به ویژه اینکه یکی از رزمنده‌ترین گردان‌های پرولتاریای خاورمیانه متعلق به ایران است که در حافظه تاریخی خود نبردهای پرافتخاری به ثبت رسانده است. این جنگ می‌تواند تأثیر منفی و مخربی بر طبقه کارگر ایران بگذارد و مانع از آن شود که مبارزات نه تنها تداوم یابند، بلکه به سطوح بالاتری ارتقاء پیدا کنند.

سرمایه‌داری، جنگ‌های امپریالیستی را بر بشریت تحمیل می‌کند، زیرا با واکنش طبقاتی جدی و سازمان‌یافته‌ای از سوی طبقه‌ی کارگر جهانی مواجه نیست. اما این واقعیت، نه تنها مسئولیت انترناسیونالیست‌ها، و به ویژه کمونیست چپ را از بین نمی‌برد، بلکه برعکس، اهمیت آن را دو چندان می‌کند: یعنی ضرورت دفاع پیگیرانه از انترناسیونالیسم پروولتری، افشای ماهیت امپریالیستی این جنگ‌ها، و روشن ساختن پایه‌های مادی و طبقاتی آن‌ها برای طبقه‌ی کارگر.

باید با صدایی رسا اعلام کرد: تمام این درگیری‌ها علیه منافع طبقه‌ی کارگر است. باید آشکارا گفته شود که پیامدهای جنگ امپریالیستی خاورمیانه محدود به خاورمیانه نخواهد ماند؛ چرا که سرمایه‌داری، نظامی جهانی است و آثار ویرانگر آن بر دوش کارگران در سراسر جهان سنگینی خواهد کرد. و از همه مهم‌تر، باید تأکید کرد که دشمن واقعی در هر جا، در خانه‌ی خود ما است: در تهران، تل‌آویو، واشنگتن، لندن، برلین، پاریس و هر جای دیگری که سرمایه، دولت و ارتش علیه طبقه کارگر صف کشیده‌اند.

تاریخ نشان داده است تنها نیرویی که قادر است، ماشین کشتار بورژوازی یعنی جنگ را پایان دهد، طبقه کارگر است. این خطر انقلاب آلمان در جریان جنگ جهانی اول بود که بورژوازی را مجبور به امضای آتش بس کرد. همین مسئله همیشه صادق است، جنایتکاران جنگی تنها در سایه **خطر پروتاریا** از جنگ کوتاه می‌آیند تا خودشان را برای جنگ طبقاتی علیه پرولتاریا آماده کنند. اگر چه طبقه کارگر جهانی امروز در چنین موقعیتی نیست ولی تکامل مبارزه طبقاتی می‌تواند چنین افقی را برای پرولتاریا ایجاد کند.

جنگ به شیوه‌ای از زندگی سرمایه‌داری در عصر امپریالیسم آن تبدیل شده است. سرمایه‌داری نمی‌تواند آینده‌ای ارائه دهد، تنها توحش و بربریت را به مناطق بیشتری گسترش می‌دهد. این یک توهم است که از جنگ‌افروزان بخوایم جنگ را متوقف کنند. صلح جنگ‌افروزان تنها می‌تواند یک میان‌برده در سرمایه‌داری جنگ طلب باشد. از درون صلح سرمایه‌داری تنها شعله‌های جنگ می‌تواند زبانه بکشد. فقط جنگ طبقاتی کارگران است که می‌تواند آلترناتیوی برای توحش سرمایه داری ارائه دهد، چون پرولتاریا کشوری برای دفاع ندارد و مبارزه‌اش باید مرزهای ملی را درنوردد و در مقیاس بین‌المللی توسعه یابد. تنها طبقه کارگر جهانی با تبدیل جنگ سرمایه‌داری به جنگی علیه سرمایه‌داری و به تبع آن با به زیر کشیدن سرمایه‌داری در مقیاس جهانی می‌تواند زمینه مادی جنگ‌های امپریالیستی را از بین ببرد و صلح دائمی را برای بشریت به ارمغان بیاورد.

کارگران وطن ندارند!

مرگ بر جنگ امپریالیستی!

زنده باد جنگ طبقه علیه طبقه!

صدای انترناسیونالیستی

۱۴ اسفند ۱۴۰۴

<https://www.internationalistvoice.org>

در حالی که شعله‌های آتش جنگ از هر سو زبانه می‌کشید، ترامپ با هیاهویی تبلیغاتی و در لباس یک صلح‌طلب، کارزار انتخاباتی خود را آغاز کرد. او وعده داد به محض انتخاب شدن به تمامی جنگ‌ها پایان خواهد داد و چهره‌ای صلح‌دوست از خود به نمایش گذاشت و حتی مدعی شد که شایسته‌ی دریافت جایزه‌ی صلح نوبل است. با این حال، بازگشت ترامپ به قدرت نه تنها به توقف جنگ‌ها منجر نشد، بلکه بر شدت تنش‌های نظامی افزود: جنگ اوکراین همچنان ادامه دارد، کشتار در غزه پس از آتش‌بس نیز تداوم یافته است و در عین حال، تنش‌های نظامی میان تایلند و کامبوج، درگیری میان هند و پاکستان، درگیری میان پاکستان و افغانستان، جنگ در میانمار، سوریه، سودان و نیجریه، تنش‌های نظامی در ونزوئلا و اکنون جنگی تمام‌عیار در خاورمیانه شعله‌ور است که حدود ۱۵ کشور یا در آن دخیل‌اند یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند. امروز، جنگ دیگر صرفاً یک رویداد نظامی نیست، بلکه هر روز بیش از پیش به بازتابی از نظام سرمایه‌داری در عصر امپریالیسم و شیوه‌ی زندگی برآمده از آن بدل می‌شود.

جنگ‌های امپریالیستی صرفاً نتیجه‌ی تصمیمات رهبران جنگ‌طلب نیست، بلکه بیانگر ماهیت نظام سرمایه‌داری در عصر حاضر است. فارغ از نقابی که هر دولت بر چهره می‌زند، چه خود را دموکراتیک بنامد و چه دیکتاتوری باشد، چه ادعای صلح‌طلبی کند و چه آشکارا پرچم جنگ را برافرازد، همگی یک ویژگی بنیادین مشترک دارند: قربانی کردن طبقه‌ی کارگر و فرودستان به مثابه گوشت دم‌توپ در جنگ‌های امپریالیستی. بی‌استثنا، تمامی این دولت‌ها در قبال این جنگ‌ها مسئول‌اند و همه‌ی آن‌ها جنایتکار جنگی هستند.

برخلاف عوام‌فریبی و دروغ‌گویی گانگسترهای دموکرات که ادعا می‌کنند آمریکا و اسرائیل با حملاتی «دقیق» صرفاً در پی حذف مسئولان سیاسی و نظامی و هدف قرار دادن زیرساخت‌های نظامی بورژوازی اسلامی‌اند، واقعیت چیز دیگری است. در عمل، همه‌ی طرف‌ها زیرساخت‌های غیرنظامی را نیز هدف قرار می‌دهند: کارخانه‌ها، مدارس، مناطق مسکونی، پالایشگاه‌ها، محل‌های کار، سالن‌های ورزشی، بازارها و حتی درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها بمباران می‌شوند. فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده (ستکام) اظهار داشته است که مقیاس ۲۴ ساعت نخست عملیات جاری علیه ایران، دو برابر عملیات علیه عراق در سال ۲۰۰۳ بوده است. حقیقت این است: همه‌ی طرف‌ها در ارتکاب جنایات جنگی شریک‌اند.

تمامی دموکرات‌های گانگستر و در رأس آن‌ها ترامپ جنایتکار با زبان راهزنان سخن می‌گویند و حتی به جنایات خود افتخار می‌کنند. آن‌جا که ترامپ با افتخار اعلام می‌کند:

”من در دوره نخست ریاست جمهوری‌ام ارتش‌مان را ساختم و بازسازی کردم، و هیچ ارتشی در جهان حتی نزدیک به قدرت، توان و پیشرفتگی آن نیست.“

روزا لوکزامبورگ در جریان جنگ جهانی اول بر این باور بود که برای عادی‌سازی جنایات جنگی، خشونت عینی باید با نوعی توحش در افکار و احساسات همراه شود؛ به گونه‌ای که نه تنها جاری شدن حمام خون امری عادی تلقی شود، بلکه ماهی‌افزار نیز گردد. امروز، ترامپ جنایتکار تجسم روشن این تحلیل تاریخی است. او همچون راهزنان و با افتخار از مرگبارترین و مخرب‌ترین ارتش جهان سخن می‌گوید، ارتشی که هیچ نیرویی توان مقابله با آن را ندارد. به بیان دیگر، این جنگ طلب‌نه‌تنها از جنگ استقبال می‌کند، بلکه آن را صحنه‌ای برای نمایش قدرت و برتری تکنولوژیک آمریکا می‌داند.

متأسفانه طبقه کارگر اسرائیل در مقایسه با خواهران و برادران طبقاتی خود در ایران و آمریکا، بسیار بیشتر تحت تأثیر ناسیونالیسم و مذهب مسموم شده و این امر باعث شده است که بورژوازی اسرائیل طبقه کارگر اسرائیل را به راحتی برای جنگ بسیج نماید.